**بررسی فقهی حقوقی خواستگاری ؛ پیش بستر شکل­گیری خانواده ایرانی-اسلامی**

**چکیده**

خواستگاری از مقدمات عقد ازدواج می­باشد. هر شخصی که قصد ازدواج با دیگری را داشته، باید از مقدماتی که قانونگذار برای آن در نظر گرفته عبور کند. یکی از مقدماتی که قانونگذار برای ازدواج به رسمیت شناخته، خواستگاری می­باشد. قانون مدنی تنها یک ماده را به بحث خواستگاری اختصاص داده است. ماده ۱۰۳۴ چنین تصریح می­کند: «هر زنی که خالی از موانع نکاح می­باشد را می­توان خواستگاری نمود». قانونگذار به تعریف خواستگاری نپرداخته و فقط به یکی از شرایط صحت آن بسنده کرده است. خواستگاری عبارت است از اینکه از زن یا مردی که خالی از موانع نکاح است تقاضای ازدواج صورت پذیرد. خواستگاری شرایطی دارد ازجمله اهلیت طرفین، قصد و رضا، عدم وجود موانع نکاح، عدم خواستگاری از نامزد دیگری، که برای تحقق آنها لازم است. همچنین خواستگاری آثاری را به دنبال دارد که در این نوشتار رصد می شود. این مقاله درصدد است به این سوالات نیز پاسخ دهد: آیا خواستگاری از نامزد دیگری مجاز است یا خیر؟ آیا اگر به سبب خواستگاری مرد به زن خسارتی وارد شود قابل جبران است یا خیر؟

**کلید واژه: خواستگاری، شرایط خواستگاری، موانع نکاح، آثار خواستگاری**

1. **مقدمه**

نکاح یکی از عقود بسیار مهم در حقوق ایران و بسیاری از کشورها و نظام های حقوقی است که همیشه مورد توجه ویژه قانونگذاران قرار گرفته؛ به طوری که قواعد و مقررات مخصوصی برای آن در نظر گرفته شده است. نکاح در حقیقت سرفصل نو در زندگی هر انسانی محسوب می شود که براساس انتخابی که شخص قبلاً انجام داده تحقق می یابد. قانونگذران جوامع مختلف به دلیل اهمیت اجتماعی و شخصی نکاح همواره سعی در حمایت از کسانی دارند که روی به انعقاد این عقد می آورند. در بسیاری از جوامع به ویژه جامعه ایرانی، زن و مرد قبل از انعقاد نکاح ابتدا باهم آشنا می­شوند و به معرفی و کشف روحیات و ویژگی­های شخصیتی یکدیگر می پردازند تا به این نتیجه برسند که آیا می­توانند زندگی مشترکی با هم تشکیل دهند یا اینکه چنین استعداد و توانایی در آن ها وجود ندارد.

برخی عقود برای تشکیل نیاز به مقدماتی دارند که ازدواج نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد. یکی از مقدمات مهمی که قانون برای ازدواج پیش بینی کرده، خواستگاری است. خواستگاری که در واقع اولین سنگ بنای تشکیل خانواده است، دارای مباحث بسیار زیاد است.

در حقوق ما نیز به این مرحله قبل از عقد نکاح، دوره خواستگاری و نامزدی گفته می شود که همواره همراه با معرفی مرد به خانواده زن یا دختر است. البته هر یک شرایط و تشریفاتی دارند که در صورت عدم رعایت آنها خواستگاری و به تبع آن، نامزدی و ازدواج مشروعیت قانونی خود را از دست می­دهد.

هدف از این نوشتار، بررسی تفصیلی و پاسخ به این سوالات است از جمله : شرایط شرعی و قانونی خواستگاری چیست؟ آثار شرعی و حقوقی خواستگاری چیست؟ آیا خواستگاری از نامزد دیگری مجاز است یا خیر؟ آیا اگر به سبب خواستگاری مرد به زن خسارتی وارد شود قابل جبران است یا خیر؟

در این مقاله پس از بررسی لغوی و اصطلاحی خواستگاری، شرایط فقهی و حقوقی خواستگاری تبیین می گردد و در آخر، آثار شرعی و حقوقی خواستگاری مورد بررسی قرار می گیرد.

**۲- مفهوم خواستگاری در لغت و اصطلاح حقوقی و فقهی**

خواستگاری در لغت به معنای طلب زناشویی (معین، 1: 640)، گفت و گوی با زن یا دختر برای ازدواج، زن خواستن، (عمید، 469) به خواستگاری رفتن یعنی برای طلب عروس به منزل دختر یا زنی رفتن (دهخدا، 7: 1031). خواستگاری در اصطلاح عبارت است از اینکه مرد از زن یا دختری که خالی از موانع نکاح است، تقاضای ازدواج کند (صفایی و امامی، 39). از این رو، در خواستگاری با ایجاب ازدواج از سوی مرد رو به ­رو هستیم که طرف مقابل آن زن یا دختری است که شرایط ازدواج را دارا می­باشد. در اصطلاح فقهی به خواستگاری خطبه، به خواستگار خاطب و به زنی که از او خواستگاری شده، مخطوبه اطلاق می شود. (گرجی، 11) در تعریف خواستگاری تقریبا همه حقوقدانان و فقها اتفاق نظر دارند. البته خواستگاری زن از مرد نیز مطرح است که بحث خواهد شد. خواستگاری در مواردی که در شرع منع نشده، مورد اتفاق فقها است و امری مستحب محسوب می شود؛ چرا که پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) نیز خود آن را انجام داده است. همچنین خواستگاری نزد مردم رویه پسندیده و مستحب محسوب می شود (مقدادی، 271؛ حلی، 1404، 2: 569)

قانون مدنی تنها یک ماده را به بحث خواستگاری اختصاص داده است. ماده ۱۰۳۴ چنین تصریح می­کند: «هر زنی که خالی از موانع نکاح می­باشد را می­توان خواستگاری نمود». قانونگذار به تعریف خواستگاری نپرداخته و فقط به یکی از شرایط صحت آن بسنده کرده است؛ چرا که خواستگاری امر عرفی است و قانونگذار با سکوت خود مفهوم عرفی آن را پذیرفته است. خواستگاری هرچند گاه ساده است، اما همواره دارای آداب و رسومی است که معمولا در هر قومی متفاوت است که معمولا نیز با آشنا کردن خانواده داماد با عروس شروع می شود و زوجین با یکدیگر آشنا می­گردند و ویژگی و خلاقیت و همچنین توقعاتی که از یکدیگر دارند را مطرح می­کنند. در نهایت نیز متوجه می­شوند که آیا توانایی تشکیل زندگی مشترک را دارند یا خیر. (مقدادی، 270)

**3- خواستگاری زن از مرد**

آنچه در عرف به طور غالب وجود دارد خواستگاری مرد از زن است؛ بدین گونه که مرد از زنی که می خواهد با او ازدواج کند خواستگاری کند و زن نیز پس از بررسی پیشنهاد مرد، به او پاسخ می­دهد. به همین دلیل هم در قرآن و هم در روایات مرد مورد خطاب قرار گرفته است به گونه ای که در آیه ۳ سوره نساء آمده است: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء، با زنان طیب ازدواج کنید» (محقق داماد، 25) اما سوالی که در هر حال ممکن است مطرح شود این است که آیا زن می­تواند از مرد مورد علاقه اش خواستگاری کند یا خیر؟ آیا شرع و قوانین ممنوعیتی از این باب وضع کردند یا خیر؟

با بررسی مقررات مربوطه، روایات، و آیات قرآنی به­دست می­آید که نه در شریعت اسلام و نه در قوانین موضوعه منعی در این مورد وجود ندارد؛ بنابراین براساس اصل اباحه باید حکم به جواز خواستگاری زن از مرد کرد. البته ممکن است برخی چنین فکر کنند این امر خلاف عرف و عادت و سرشت زن است که باید مطلوب واقع شود و زن به دلیل روحیه و عواطفی که دارد باید مطلوب مرد قرار گیرد نه برعکس. در پاسخ باید گفت که اولا، برخی از فقها معتقدند که خواستگاری زن از مرد در عرف نیز رایج است (مقدادی، 272؛ کدی عمرانی، 1: 295) ثانیا، خواستگاری زن از مرد در اسلام و پیش از آن نیز وجود داشته است.

روایتی تاریخی از قرآن نقل شده که هنگامی که حضرت موسی وارد شهرت مدین شد در اطرف آن شهر چاهی وجود داشت وقتی به نزدیک آن چاه رسیده مردانی را دید که در حال آب دادن به احشام خود هستند اما نگاهش به دو زنی افتاد که در آن طرف چاه با متانت و وقار در حال جمع آوری گوسفندان خود بودند. برای او سوال بود که چطور ممکن است چنین کاری را که عموما بر عهده مردان است را دو زن انجام دهند! به نزد آن رفت و از آن­ها پرسید. آنها جواب دادند چون پدرمان حضرت شعیب (علیه السلام) پیر و سالخورده شده بنابراین ما مجبوریم که چنین کاری را انجام دهیم. حضرت موسی وقتی این را شنید گوسفندان را برای آنها سیراب کرد. این کار حضرت موسی(علیه السلام) آن دو زن را بسیار تحت تاثیر قرارداد به گونه ای که یکی از آنها از پدر خود (حضرت شعیب) خواست که از حضرت موسی (علیه السلام) برای او خواستگاری کند و اینگونه ابراز کرد: پدر! موسی را به خدمت بگیر؛ چرا که او امین و داناست و بهترین فردی است که می­توانی به خدمت اجیر کنی. حضرت شعیب (علیه السلام) وقتی این درخواست حیا آمیز را شنید آن را قبول کرد. به حضرت موسی (علیه السلام)گفت: من قصد دارم یکی از بهترین دخترانم را به نکاح تو در بیاورم به این مَهر که هشت سال تمام اجیر من باشی. (مقدادی، ۲۷۳ نقل از قصص، 22تا28)

بعد از اسلام نیز روایاتی که نقل شده که نشان دهنده پذیرش این امر از سوی اسلام می­کند برای مثال ابتدا حضرت خدیجه بنت خویلد (سلام الله علیها) از حضرت محمد (صلوات الله علیه) خواستگاری کرد (عبدالرحمن العک، 57) همچنین در روایتی از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل شده که زنی نزد امام آمد و از او خواست او را شوهر دهد. امام روی به جمعیت حاضر کرد و گفت آیا کسی این زن را به همسری می­پذیرد؟ یکی از میان جمعیت گفت: بله، امام از او پرسید آیا چیزی داری که مهر این زن قرار دهی؟ مرد در جواب گفت: خیر، امام از او پرسید آیا از قرآن چیزی میدانی؟ گفت: بله. امام فرمود: تو را به نکاح این زن در می­آورم به این مَهر که، آنچه که از قرآن می­دانی به او آموزش دهی. (حر عاملی، ۱۴: ۱۹۵)

بنابراین همان طور که مشاهده شد خواستگاری زن از مرد نه تنها از سوی شارع مورد نهی قرار نگرفت؛ بلکه در اساس مورد پذیرش شارع مقدس گرفته است و به نوعی می­توان گفت که جزو احکام امضایی اسلام محسوب می شود؛ چرا که قبل از اسلام وجود داشته است و اسلام پس از ورود خود آن را تایید کرده بود. از سوی دیگر نیز یکی از منابع استنباطی احکام بنای عقلا برمبنای تقریر می­باشد؛ بدین معنی که اگر عملی در زمان پیامبر و امامان رواج داشته و آنها با اینکه توانایی منع داشتند اما نه تنها آن را منع نکردند بلکه حتی در برخی موارد خود بدان عمل می نمودند.

در رابطه با ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی که علی الظاهر نشان دهنده پذیرش خواستگاری مرد از زن است، باید گفت که این ماده بر گرفته از غلبه عرف است اما خواستگاری زن از مرد هیچ مانعی عقلی و شرعی ندارد بنابراین لازم است که قانونگذار این ماده را برای جلوگیری از تفسیر در جهت تضییق حقوق زنان اصلاح کند.

**4- شرایط فقهی حقوقی خواستگاری**

خواستگاری نیز مانند بسیاری از موضوعات دیگر مرتبط با مقوله ازدواج شرایطی دارد که باید رعایت شود که در غیر این صورت خواستگاری و به تبع آن ازدواج مشروعیت خود از از لحاظ قانونی خود را از دست می­دهد؛ و تنها ماده قانونی مدنی در باب خواستگاری یعنی ماده ۱۰۳۴ نیز به همین مبحث اختصاص داده شده است. به موجب این ماده خواستگاری از زنی صورت می­گیرد که خالی از موانع نکاح باشد که مفهوم مخالف آن این است که از زنی که دارای موانع نکاح است نمی­توان خواستگاری کرد. به همین دلیل خواستگاری برای اینکه صحیح واقع شود باید دو شرط داشته باشد :

**4-1- عدم وجود موانع نکاح**

از شرایط صحت خواستگاری، عدم ممنوعیت ازدواج می­باشد. بنابراین نمی­توان از زنی که ازدواج با او حرام است خواستگاری کرد اعم از اینکه حرمت دائمی باشد؛ مانند ازدواج با اقارب نسبی مثل عمه، خاله یا زنی که نه طلاق داده شده باشد که شش تای آن عدّی باشد که البته این ممنوعیت ناظر بر شوهر سابق زن است، نه شخص دیگر؛ یا اینکه ممنوعیت موقت باشد، مانند ازدواج با زنی که سه طلاق داده شده باشد و هنوز محلل واقع نشده باشد. (گرجی، ۱۲)

در مورد خواستگاری از زن شوهردار باید گفت در فقه چنین خواستگاری ممنوع است چه به صورت صریح باشد یا به صورت ضمنی (کنایه آمیز) چون ناموس، آبرو و حیثیت اشخاص از نظر اسلام محترم است. (نجفی، ۳۰: ۱۱۹)

در قانون مدنی نیز همانند فقه خواستگاری از چنین زنی به موجب ماده ۱۰۵۰ ممنوع اعلام شده است و تحت شرایطی ازدواج با وی را موجب حرمت ابدی می­داند. به موجب این ماده : «هرکس زن شوهردار را با علم به وجود عقله زوجیت و حرمت نکاح و یا زنی را که در عده طلاق یا وفات است با علم به عده و حرمت به نکاح خود درآورد، عقد باطل و آن زن مطلقا بر مرد حرام می شود. همچنین است زمانی که شخص جاهل باشد، اما نزدیکی واقع شده باشد» (ماده ۱۰۵۱قانون مدنی). بنابراین وقتی ازدواج با چنین زنی حرام باشد، به تبع آن خواستگاری از چنین زنی نیز حرام است. این نکته نیز حائز اهمیت است که در حقوق ما چند شوهری مورد قبول شرع و قانون نیست و از نظر عرف نیز امری مذموم و ناپسند است چرا که سبب اختلاط نسل ها می­گردد.

در مورد زنی که در عده رجعی هست نیز باید گفت چون چنین زنی در حکم زن شوهر دار است، بنابراین خواستگاری از او نیز مشمول حکم ذکر شده در مورد خواستگاری از زن شوهردار می شود.

خواستگاری از زنی که در عده بائن است، به طور صریح امکان پذیر نیست؛ مگر از سوی شوهر سابق او. اما به طور ضمنی و با کنایه، بدون اشکال است. در مورد خواستگاری از زنی که در عده وفات هست نیز خواستگاری به طور صریح ممکن نیست، اما با کنایه منعی نه در شرع و نه در قانون پیش بینی نشده است. (گرجی، 13)

**4-2- عدم خواستگاری از نامزد دیگری**

قانون مدنی در مورد خواستگاری مرد از زنی که قبلا شخص دیگری از او خواستگاری کرده ساکت است؛ بنابراین براساس ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹و اصول ۴ و ۱۶۷ قانون اساسی باید به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر رجوع کرد.

مطابق رویکرد فقه باید در این مورد قائل به تفکیک بشویم: نخست، خواستگاری از زنی که دیگری قبلاً از او خواستگاری کرده و زن هنوز پاسخی نداده؛ و دیگری، خواستگاری از زنی که قبلاً پیشنهاد خواستگار دیگری را پذیرفته و نامزد وی محسوب می شود

**4-2-1- خواستگاری قبل از اعلام موافقت**

در مورد خواستگاری از زنی که قبلا شخص دیگر او را خواستگاری کرده اما زن در پاسخ مردد هست و هنوز پاسخ مثبتی نداده، فقها انفاق نظر دارند که چنین خواستگاری صحیح است. شهید ثانی می نویسد: «هر چند ظاهر روایت دلالت بر منع می­کند؛ اما هیچ از فقها قائل به حرمت چنین خواستگاری نشدند» (شهید ثانی، شرح لعمه، ۲: ۸۶) برخی از فقهای اهل سنت نیز با این قول موافق هستند مانند علمای شافعی به خصوص که هنوز عقله ایجاد نشده و نیز، روایت نبوی وارد شده که پس از آنکه فاطمه بنت قیس را شوهرش طلاق داد و عده طلاقش تمام شد ابن معاویه و ابی جهل به خواستگاری او رفتند. فاطمه بنت قیس نزد پیامبر (صلوات الله علیه) رفت و موضوع را برای ایشان بازگو کرد، پیامبر (صلوات الله علیه) ابن معاویه و ابی جهل را سرزنش کرد و او را برای اسامه خواستگاری کرد. (علامه حلی، تذکره الفقها، ۲، ۵۷۰) بنابراین باتوجه به آنچه گفته شده این نوع خواستگاری شرعا و قانونا بی اشکال است.

**4-2-2- خواستگاری بعد از اعلام موافقت**

آنگونه که آمد، هیچ یک از فقها در خصوص خواستگاری از زنی که قبلاً از او خواستگاری شده و زن هنوز اعلام موافقت نکرده، قائل به حرمت نشدند و آن را مورد پذیرش قرار دادند. اما در مورد خواستگاری از زنی که قبلا از او خواستگاری شده و زن نیز پذیرفته بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.

در این باره اهل سنت به استناد چند حدیث نبوی، قائل به حرمت این گونه خواستگاری شده­اند. (نقل از: محقق داماد، ۲۸) از جمله روایتی که از پیامبر (صلوات الله علیه) نقل شده و بدین مضمون است که پیامبر(صلوات الله علیه) فرموده­اند که حلال نیست که مومن به خواستگاری زنی که مومن دیگری از او خواستگاری کرده است برود؛ چون مومن برادر مومن است. همچنین فرمودند هیچ کس نباید از زنی که دیگری از او خواستگاری کرده خواستگاری کند تا زمانی که ازدواج کند یا منصرف شود (بخاری به نقل از همان). هم چنین معتقدند هدف اسلام ایجاد اتحاد، حفظ وحدت، صلح و دوری از عداوت بین مردم است؛ در حالی که این نوع خواستگاری سبب ایجاد کدورت و دشمنی میان مردم می شود در نتیجه از نظر اسلام باطل است.

فقهای امامیه نیز در این مسأله اختلاف نظر دارند و در این راستا به دو دسته تقسیم می­شوند: عده ای از فقها مانند شهید اول و شیخ طوسی عقیده بر حرمت خواستگاری از نامزد شخص دیگری دارند؛ چون اولا، نهیی که پیامبر (صلوات الله علیه) در روایات فوق به کار برده دلالت بر حرمت دارد؛ ثانیا، این نوع خواستگاری سبب عدوت و کینه و دشمنی بین مردم می شود. عده ای دیگر از فقها مانند شهید ثانی عقیده بر کراهت دارند؛ چرا که اولا، سند روایاتی که دلالت بر حرمت چنین خواستگاری می­کنند، ضعیف است؛ ثانیا، اصل بر عدم حرمت است؛ ثالثا، نامزدی یا وعده ازدواج سبب ایجاد عقله زوجیت بین طرفین نیست. بنابراین همان طور که طرفین حق برهم زدن آن را دارند، این نوع خواستگاری نیز نوعی به هم زدن ضمنی نامزدی قبلی است و بلامانع است. (نقل از: کرمشاهی، 12)

به طور کلی به نظر می­رسد خواستگاری از زنی که نامزد دیگری است، حرام و ممنوع است؛ چرا که روایات نبوی که دلالت بر حرمت دارند به دلیل شهرت عملی (استناد کردن بسیاری از فقها به این روایت ) ضعف آنها جبران شده در نتیجه از لحاظ فقهی در بحثی مورد عدم حرمت آن باقی نمی ماند. همچنین این امر از نظر اجتماعی مورد مذمت و سرزنش قرار می­گیرد و عرف آن را نمی پسندد؛ چرا که سبب اختلافات اجتماعی ما بین اشخاص می شود که چیزی جز ایجاد کدورت و دشمنی میان افراد به همراه ندارد (گرجی، 29). از سوی دیگر عقل نیز این نوع خواستگاری را مورد نکوهش قرار می­دهد و آن را نهی می­کند؛ چرا که معقتد است وقتی دو طرف باهم وعده ازدواج می­بندند، نوعی حقوق مابین آنها شکل می­گیرد که آنها را اخلاقاً ملزم به ازدواج می­کند و خواستگاری این شخص از نامزد دیگری، سبب تعرض به حقوق ایجاد شده ما بین آنها می شود در نتیجه از نظر عقل چنین خواستگاری مردود است.

سوال دیگری که در این مقال، شکل می­گیرد، این است که اگر شخصی با زنی که نامزد دیگری است عقد نکاح ببندد، آیا این عقد صحیح است یا خیر؟

مالک و داوود از اهل تسنن به بطلان چنین عقدی معتقدند و در این راستا به نهی وارد از رسول خدا (صلوات الله علیه) استناد می­کنند که می فرماید «لایخطب احکام علی خطبه اخیه» یعنی نباید هیچ یک از شما نامزد دیگری را خواستگاری نماید. و استدلال می­کنند که نهی وارد دلالت بر حرمت می­کند؛ و چون خواستگاری باطل است، در نتیجه نکاح نیز باطل است. (نقل از: محقق داماد، ۳۰)

اما فقهای امامیه اتفاق نظر دارند که عقد نکاح صحیح است؛ هر چند که آنها مرتکب گناه شدند و مستحق عقاب هستند. شافعی نیز با قول فقهای امامیه موافق است. (نقل از: همان)

به نظر میرسد که چنین عقد نکاح درست است؛ چرا که ممنوعیت ایجاد شده در خواستگاری سبب بطلان عقد نکاح نیست؛ چون حرمت خواستگاری ملازمه ای با حرمت عقد نکاح ندارد. در واقع رابطه بین حرمت خواستگاری با حرمت نکاح عموم و خصوص مطلق است یعنی اگر ازدواج با دیگری حرام باشد به تبعیت آن، خواستگاری از او نیز حرام است؛ مانند ازدواج با زنی که نُه طلاق داده شده که شش تای آن عدّی است. اما حرمت خواستگاری از شخصی به معنی حرمت ازدواج با او نیست، چرا که این دو موضوع متفاوت هستند که آثار متفاوتی به همراه دارد. هر چند از نظر عرف مذموم و ناپسند است.

**4-3- خواستگاری غیر مجاز**

گاهی اوقات خواستگاری ممکن است غیر مجاز باشد بدین معنی که از نظر قانون چنین خواستگاری­هایی مورد قبول نباشد یا اینکه خواستگاری همراه با ضرر و زیان های مادی و معنوی باشد. مانند اینکه مردی با علم شوهر دار بودن زن به خواستگاری او برود یا اینکه مرد با اینکه می­داند زن به دلیل وابستگی که به شوهرش سابق خود دارد، از ازدواج مجدد خودداری می­کند، اما عامدا به خواستگاری او می­رود. در این حالات اگر چنین خواستگاری سبب زیان های مادی و معنوی شوند، زیادن دیده می­تواند طبق قوانین مسولیت مدنی و کیفری از فردی که از او خواستگاری کرده مطالبه خسارت کند و مجازات وی را بخواهد (مستفاد از ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی و تعزیرات و مجازات های بازدارنده؛ گرجی، 14)

**4-4- خواستگاری برای نکاح موقت**

در این باره باید گفت که فرقی بین نکاح موقت و دائم نیست و همان مقرراتی که برای خواستگاری نکاح دائم گفته شده برای موقت نیز وجود دارد؛ بنابراین در خواستگاری برای نکاح موقت نیز مرد نمی­تواند از زنی که نامزد دیگری است، خواستگاری کند؛ یا به زنی که همسر دیگری است پیشنهاد ازدواج دهد و در این رابطه فرقی نمی­کند موانع نکاح دائمی مانند خواستگاری از نوه خواهر، یا موقت مانند خواستگاری از خواهر همسرش قبل از طلاق دادن همسر، باشد. (گرجی، 14)

**5- آثار خواستگاری**

تحقق خواستگاری آثار شرعی و حقوقی به دنبال دارد که در ادامه بررسی می گردد.

**5-1- جواز نگاه کردن مرد به زن و شرایط آن**

این بحث در قوانین موضوعه موضوعیت ندارد؛ لذا به منابع و فتوایی معتبر اسلامی رجوع می شود. در فقه یک اثر بسیار مهم خواستگاری، جواز نگاه کردن مرد به زن است. حکم اولی که در این رابطه وجود دارد، دال بر حرمت نظر مرد به زن نامحرم و برعکس است؛ و قرآن کریم در این باره می­فرماید: «مردان مومن را بگو تا چشمهایشان را بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند که این برای پاکیزگی شما اصلح است و البته خدا به هر آنچه می­کنید آگاه است؛ و زنان مومن را بگو تا چشمهایشان را بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را، جز آنچه قهرا ظاهر می شود بر بیگانگان آشکار نسازند. ...» (سوره نور، آیات 3۰ و ۳۱)

احادیث متعددی نیز در این رابطه وجود دارد که آن را تایید می­کند. (حر عاملی، ۱۴: ۱۳۸) اما شارع مقدس در جهت ایجاد خانواده مستحکم و اهمیت وجود الفت و علاقه میان زوجین، بر حکم اولی استثنا وارد کرده و به مرد اجازه داده تحت شرایطی به زنی که قصد خواستگاری از او را دارد، نگاه کند و این حکم مورد وفاق اسلام اعم از شیعه و سنی است (طوسی، بیتا، الخلاف، ۲: ۳۵۷) ادله­ای که در این رابطه ارائه شده است، اجماع محصل و منقول (نجفی، ۲۹: ۶۳)، و همچنین روایات متعدد در تشیع و تسنن است.

دراین­باره روایتی از حضرت محمد (صلوات الله علیه) نقل شده که وقتی که مغیره بن شعبه از زنی خواستگاری کرد حضرت محمد (صلوات الله علیه) از او می­خواهد که به زنی که قصد ازدواج با او دارد نگاه کند، چرا که این کار برای ایجاد الفت و تداوم مودت میان آنها بهتر است (حر عاملی، ۴: ۶۱).

همچنین در روایتی که سند آن صحیح می­باشد، از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل شده که شخصی از او می پرسد آیا مرد می­تواند به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند؟ که ایشان جواب می­دهند بله، چرا که مرد بهای گزافی در مقابل او می­دهد (حر عاملی، ۱۴: ۵۹، باب۳۶) که البته بسیاری از علما قائل به مستحب بودن چنین کاری هستند (زین الدین عاملی، ۵: ۹۷۷).

در نتیجه در حکم نظر مرد به زن در این رابطه، اختلافی نیست؛ آنچه محل بحث است حدود نگاه کردن مرد به زن است، آیا مرد فقط میتواند به دست و صورت زن نگاه کند؟ آیا نگاه کردن همراه با لذت قهری ممنوع است؟ آیا جواز نگاه کردن نیاز به اذن زن دارد؟ فقهای امامیه در حدود نگاه کردن مرد به زن اختلاف نظر دارند به گونه ای که شیخ طوسی معتقد است: نگاه کردن مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد جایز است و در این رابطه مرد می­تواند به صورت، کف دو دست، محاسن زنی که قصد ازدواج با او را دارد نگاه کند و همچنین است نحوه راه رفتن و بدن زن از روی لباس (طوسی، النهایه، ۴۸۴). فقیه دیگر نیز معتقد است: مرد می­تواند به صورت زنی که قصد ازدواج با او را دارد نگاه کند(جعفر بن حسن حلی، ۲: ۲۶۸) همچنین علامه حلی می­گوید: نگاه به صورت و کف دو دست زن و حالت ایستاد و راه رفتن زن جایز است همچنین مرد می­تواند به موی سر، محاسن زن و اندام وی، از روی لباس نگاه کند (حسن بن یوسف حلی، ۳: ۶).

به نظر می­رسد آنچه بین فقها اتفاق نظر وجود دارد جواز نگاه کردن مرد به صورت و دو دست زن تا مچ است؛ اما برخی فقها مانند محقق حلی معتقدند که جواز صرفا به همین دو امر اختصاص دارد و صاحب ریاض در این رابطه قائل به شهرت شده است(طباطبايي، 10: 62) اما برخی فقهای دیگر قایل به تسری نظر به سایر اندام های زن هستند. در رابطه با قول اولی ادعای احتیاط شده است؛ چرا که اصل اولی دلالت بر حرمت چنین امری دارد؛ بنابراین استثنایی که بر آن وارد شده، باید تفسیر مضیق شود و به آنچه که مورد اتفاق است، اکتفا شود. در نتیجه جواز نگاه کردن، تنها به دو دست و صورت تعلق می­گیرد و بقیه محاسن زن تحت عموم قاعده حرمت باقی می­مانند.

اما سوالی که مطرح می شود این است آیا سایر اندام بدن برای رغبت مرد، و همچنین گرفتن تضمینی استوار، موثر نیست؟ آیا شرع در این زمینه ممنوعیتی وضع کرده است؟ این تردید با بررسی برخی روایت بیشتر می شود و سبب می شود که ما قائل به گسترش این جواز نگاه کردن به سایر محاسن زن بشویم. به گونه ای که این تردیدها در اندیشه صاحب جواهر نیز نفوذ کرده است؛ چرا که ایشان قول صاحب ریاض دال بر وجود قول مشهور در مقید بودن نظر مرد به دو دست و صورت زن نمی­پذیرد (نجفی، ۲۹: ۶۶).

در روایتی آمده که از امام صادق (علیه السلام) سوال می شود آیا مرد می­تواند به موی زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند؟ امام (علیه السلام) می­فرماید: بله. همچنین در روایت دیگر نیز از امام علی (علیه السلام) پرسیده می شود که مرد می­تواند به محاسن زنی که می­خواهد از او خواستگاری کند نظر افکند؟ و امام جواب مثبت می­دهد (حر عاملی، ۱۴: ۶۰). محاسن به معنی مواضع نیکو، زیبایی زن، که شامل مو، الگو، گردن و ... است که به نظر می­رسد اینکه در روایات فقط به مو یا برخی اعضای بدن اشاره می شود از باب مصداق باشد و منظور همان معنای عام محاسن می­باشد که در مهر و رغبت مرد به ازدواج موثراست (سبحانی ، 1: 15)

روایتی نبوی از حضرت محمد (صلوات الله علیه) توسط اهل سنت نقل شده که می­فرماید: اگر زنی خواستگاری شود، مرد می­تواند به مواضعی که سبب ایجاد رغبت او به خواستگاری می شود نگاه کند (شوکانی، ۶: ۱۱۰). برخی فقهای معاصر با استناد به این روایت و برخی روایات دیگر قائل به جواز نگاه کردن مرد به محاسن زنی که قصد خواستگاری از او را دارد می­کنند؛ اعم از اینکه زیر لباس باشد یا خیر؛ چرا که روایات دال بر جواز نگاه را مطلق، و سایر روایات را نیز که جواز را محدود به نگاه از روی لباس می­کنند ضعیف می‌پندارند (فاضل لنکرانی، ۵۵ و۵۶؛ جعفر بن حسن حلی، ۲: ۲۶۸) صاحب جواهر نیز همین نظر را می­پذیرد (نجفی، ۲۹: ۶۷). تنها ایرادی که ممکن است به این نظر گرفته شود این است که نگاه به دو دست و صورت در عرف پذیرفته شده است؛ و سایر اعضای بدن غالبا با لباس مستور است. که اولا باید گفت این عرف محل تردید است ثانیا، در بسیاری از موارد مواضع دیگری (نظیر گردن و مو) محل روایت است (حکیم، ۱۴: ۱۵)؛ ثالثا، عمل به احتیاط به دلیل اینکه روایات مطلق هستند، امکان پذیر نیست؛ مگر اینکه به اعتبار این روایات خدشه جدی وارد شود.

نتیجه آنکه مرد می­تواند به زنی که قصد ازدواج با او را دارد نگاه کند و جواز آن نیز به دلیل اطلاق روایات، شامل تمام محاسن زن است اعم از اینکه معمولا روی لباس باشند یا زیر لباس. البته منظور از محاسنی که زن در زیر لباس دارد آنچه است که در هنگام نظر، مورد رویت مرد قرار می­گیرد.

فقها برای جلوگیری از سوء استفاده مرد، قول جواز را مشروط به شروطی کردند که اگر این شروط وجود داشت مرد حق نگاه دارد و در غیر این صورت مشمول جواز نگاه نمی شود. در این رابطه محقق کرکی معتقد است: مرد در صورتی می­تواند به زن نگاه کند که زن خالی از موانع نکاح باشد و مرد نیز قصد ازدواج با او را داشته باشد و امکان قبولی درخواست از سوی زن عادتا ممکن باشد (کرکی، ۱۲: ۲۷) برخی دیگر نیز به اتفاق برای قول جواز، چهار شرط قائل شدند: علم به صلاحیت و شایستگی زن برای ازدواج با او، زن خالی از موانع نکاح باشد، عادتا و عرفا امکان قبولی درخواست از سوی زن باشد، قصد ریبه و خوف وقوع حرام نباشد (محمد بن حسن حلی،۱: ۵۲).

به نظر می­رسد برای جواز نگاه کردن مرد به زن به طور کلی چهار شرط وجود دارد: اولا، عرفا و عادتا امکان قبولی درخواست مرد از سوی زن وجود داشته باشد. بنابراین اگر مرد میداند که زن عرفا و عادتا درخواست او را نمی پذیرد برای مثال قبلا از او درخواست خواستگاری کرده اما زن رد کرده باشد، یا زن دارای مقام بالای اجتماعی هم از لحاظ سواد و هم از لحاظ شخصیتی باشد، اما مرد دارای مشکلات روحی و جسمی باشد، در این صورت جواز نگاه کردن از بین می رود. ثانیا، زن خالی از موانع نکاح باشد، چرا که وقتی نمی­تواند با زنی ازدواج کند، به تبع آن هم نمی­تواند به او نگاه کند. ثالثا، مرد باید قصد ازدواج با آن زن را داشته باشد؛ در نتیجه اگر چنین قصدی وجود نداشته باشد یا قصد ازدواج داشته باشد نه با آن زن، در این صورت قول جوازی وجود نخواهد داشت. امام خمینی نیز به دلیل احتیاط و قول قوی­تر این شرط را پذیرفته است (خمینی، ۲: ۲۲۳). رابعا، قصد لذت بردن و کام جویی وجود نداشته باشد؛ چرا که حکم جواز نظر، بدین دلیل است که مرد تصمیمی محکم و استوار بگیرد که بعدا از آن رو نگرداند؛ بنابراین در این راستا به او اجازه داده شده برای پی بردن به سلامتی جسمی و زیبایی زن به او نگاه کند که این نظر نباید همراه با تلذذ باشد. (فاضل لنکرانی، 53)

شروط فوق به جز شرط چهارم، مورد اتفاق فقها است؛ اما در رابطه با شرط چهارم باید گفت که چون نظر مرد به طور قهری همراه لذت و کام جویی است، بنابراین جواز قول نگاه با چنین شرطی از وجهات علمی و شرعی برخوردار نیست و مصلحتی را که برای قول جواز در نظر گرفته شده با این شرط بین می­رود؛ چون وجود این شرط، مرد را دچار حرجی شدید و بی پایان می­کند و باعث می شود مرد از قول جواز که برای گرفتن تصمیم محکم و استوار به آن نیاز دارد، خودداری کند؛ که خود ممکن است عواقب بسیار بدتری را دامنگیر او و خانواده­اش کند. به همین دلیل هم هست برخی فقهای اعظم معتقدند اگر قصد ازدواج همراه با تلذذ باشد بی اشکال است (شیخ مفید،۵۲۱؛ حسن بن یوسف حلی، ۲: ۵۷۳)

مسأله دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که این قول جواز نگاه چه زمانی وجود دارد؟ برخی فقها مانند محقق کرکی معتقدند که بهتر است که قول جواز، قبل از خواستگاری باشد؛ زیرا اگر بعد از خواستگاری باشد، ممکن است که مرد به دلیل مشاهده زن از تصمیم خود منصرف شود و زن را رها کند در این صورت این امر ممکن است برای زن بسیار ناخوشایند و سخت شود (کرکی، 12: 267؛ شهید ثانی، ۷: ۴۰) اما صاحب جواهر چنین نظری را نمی پذیرد و آن را اجتهاد در مقابل نص میداند و معتقد است که جواز نگاه هم مربوط به قبل از خواستگاری و هم بعد از خواستگاری است (نجفی، همان).

اما به طور کلی با توجه اطلاق ادله و باتوجه به اینکه همان مصلحت و مقتضایی که برای جواز نگاه قبل از خواستگاری است برای بعد آن نیز هست، باید گفت که حکم جواز نگاه شامل بعد از خواستگاری نیز است و عرف و عادت و مصلحت حکم جواز نظر، نیز آن را تایید می­کند. در این باب دو نکته وجود دارد:

نخست آنکه، در جواز نگاه کردن مرد به زن، اگر نگاه اولی کافی نبود، مرد می­تواند به صورت مکرر و تا اندازه­ای که از تصمیمی که گرفته یا می­خواهد بگیرد، مطمئن شود، به زن نگاه کند؛ البته سزاوار است که در نگاه بعدی از زن اذن گرفته شود و همچنین باعث فشار روحی و روانی بر زن نشود. (حسن بن یوسف حلی، ۲: ۲۶۸)

دیگر آنکه، در حکم جواز نگاه اولی مرد به زن، اذن زن لازم نیست و مرد می­تواند بدون اطلاع قبلی به او نگاه کند و شبهه های موجود در نزد خود را برطرف کند؛ چرا که اگر زن از آن مطلع شود، این امکان هست که عیوب خود را بپوشد و حقیقت را بر مرد پنهان کند و در نتیجه برای حفظ مصلحت قول جواز نظر، مرد می تواند بدون اذن به زن نگاه کند. (سید محمد عاملی، ۱: ۵۲)

**5-2- نگاه کردن زن به خواستگار و شرایط آن**

آیا زن نیز می­تواند به مردی که از او خواستگاری کرده نگاه افکند؟ با بررسی روایت و همچنین حکم جواز نظر که استثنایی بر حکم اولی است، علی الظاهر فقط مرد می­تواند به زن مورد علاقه خود نگاه کند و چنین جوازی به دلیل استثنایی بودن حکم، قابل قیاس و تسری به زن نیست (بحرانی، ۲۳: ۴۶). همچنین در روایت آمده مرد بهای گزافی در مقابل زن می­دهد (حر عاملی، 1۴: ۶۰) یا مرد مستام (طالب و مشتری) واقع می شود (همان) که این روایات خود مهر تاییدی بر حکم فوق هستند.

اما به نظر می­رسد که چنین حکمی به چند دلیل قابل تسری به زن می­باشد و زن نیز می­تواند به مردی که از او خواستگاری کرده نگاه کند و بهترین تصمیم را در این رابطه بگیرد:

نخست اینکه، اصل بر این است که زن و مرد دارای حقوقی یکسان هستند؛ مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن مطرح شود. به همین دلیل هم شارع مقدس در آیه ۲۲۸ سوره بقره می­ فرماید: «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» یعنی برای زنان بر شوهران حقوق مشروعی هست، چنان­که برای شوهران بر زنان حقوق مشروعی وجود دارد. نتیجه این برابری حقوق این است که زن نیز همانند مرد حق انتخاب و گزینش دارد و در این راستا، برای اینکه به بهترین نحو از حقوقش برخوردار شود و بهترین تصمیم را بگیرد، باید بتواند به مردی که از او خواستگاری کرد نگاه کند تا اگر مرد عیوبی داشته باشد، به آنها پی ببرد و از همه مهمتر اگر چند خواستگار داشته، او را با دیگر خواستگارهای خود بسنجد و بهترین تصمیم را برای آینده خود بگیرد.

به علاوه، مرد می­تواند حتی اگر همسرش را قبل ازدواج نگاه نکرده باشد، پس از ازدواج به راحتی او را طلاق دهد؛ چرا که طلاق حق مرد است؛ اما گرفتن طلاق برای زن اگرچه ممتنع نیست، لیکن به راحتی هم امکان پذیر نیست؛ بدین دلیل که طلاق هم از لحاظ روحی و روانی برای زن بسیار سخت است، و هم قانون مدنی و قانون حمایت خانواده جز در موارد محدودی چنین حقی برای زن قائل نشده اند. در نتیجه وقتی می پذیریم مرد با وجود حق طلاق می­تواند به زن نگاه کند، به طریق اولی زن به دلیل عدم وجود چنین حقی باید بتواند به مرد نگاه کند؛ تا اگر مرد عیوبی داشته باشد از آنها آگاه گردد، یا اگر مشخصاتی که مورد پذیرش زن است در مرد مفقود باشد، از ازدواج با او خودداری نماید. در نتیجه اگر چنین حقی را برای او به رسمیت نشناسیم، سبب می شود که زن از لحاظ روحی و روانی سال­ها تحت فشار ناشی از انتخاب اشتباهی که قانون زمینه آن را فراهم کرده، باشد و به دلیل محدودیت های قانونی نتواند اشتباه خود را به راحتی جبران کند.

همچنین، همان طور که مرد مستام (مشتری و طالب) واقع می شود، زن نیز مستام (مشتری و طالب) مرد واقع می شود (شمس الدین، ۲۴۷)؛ «چرا که زن هم خواهان زندگی مشترک و انتخابی اصلح است» (مقدادی، ۲۸۱) همچنین میتوان گفت همان طور که مرد بهای گزافی در مقابل زن می­دهد زن نیز چنین است ؛ بدین معنی که زن نیز گوهر عفاف و پاکدامنی خود را که ارزش آن بسی بیشتر از مهریه است، در مقابل مرد می­دهد. (حکیم، ۱۴: ۱۷۲)

بالاخره اینکه، روایات بسیاری از اهل تسنن وجود دارد که دال بر تسری قول جواز نگاه به زن، به این فرض است (زیدان، ۱۲: 2۹).

در نتیجه با توجه به شروط فوق باید گفت که زن نیز همانند مرد میتواند به خواستگار خود نگاه کند که البته جواز نگاه کردن زن دارای همان شرایط و اوضاع و احوال است که برای مرد گفته شده است.

**5-3- محدوده روابط طرفین خواستگاری**

خواستگاری فاقد آثار نکاح است؛ بنابراین از نظر شرع و قانون مدنی طرفین خواستگاری مانند دو بیگانه هستند که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند. به همین دلیل تمام محدودیت هایی که شرع برای روابط زن و مرد در نظر گرفته بین آنها برقرار است که در رابطه با کارهایی که خلاف شرع و قانون می­باشند، مانند رفتن به مکان­های عمومی، مسافرت، جشن ها، ملاقات های دونفره اما شرع برای تحقق خواسته آنها و آشنایی با روحیات یکدیگر اجازه داده که با حضور شخص ثالثی از محارم زن مانند دایی و خاله با یکدیگر ملاقات داشته و به تبادل نظر با یکدیگر بپردازند. (گرجی، 16)

**6- نتیجه**

در بسیاری از جوامع به ویژه جامعه ایرانی، زن و مرد قبل از انعقاد نکاح ابتدا با هم آشنا می­شوند و به معرفی و کشف روحیات و ویژگی­های شخصیتی یکدیگر می پردازند تا به این نتیجه برسند که آیا می­توانند زندگی مشترکی با هم تشکیل دهند. در حقوق ما نیز به این مرحله قبل از عقد نکاح، دوره خواستگاری گفته می شود که همواره همراه با معرفی مرد به خانواده زن یا دختر است. البته شرایط و تشریفاتی دارد که در صورت عدم رعایت آنها خواستگاری و به تبع آن، نامزدی و ازدواج مشروعیت قانونی خود را از دست می­دهد.

خواستگاری در اصطلاح عبارت است از اینکه مرد از زن یا دختری که خالی از موانع نکاح است، تقاضای ازدواج کند. قانون مدنی بدون ارائه تعریفی از خواستگاری و پذیرش مفهوم عرفی آن، در تنها ماده مرتبط با آن (ماده ۱۰۳۴)، فقط به یکی از شرایط صحت خواستگاری بسنده کرده است: «هر زنی که خالی از موانع نکاح می­باشد را می­توان خواستگاری نمود». این ماده که علی الظاهر نشان دهنده پذیرش خواستگاری مرد از زن است، برگرفته از غلبه عرف است؛ اما خواستگاری زن از مرد نیز مورد امضای شریعت قرار گرفته و هیچ مانع عقلی و شرعی ندارد. بنابراین لازم است که قانونگذار این ماده را برای جلوگیری از تفسیر در جهت تضییق حقوق زنان اصلاح کند.

در خصوص شرایط خواستگاری برای نکاح –دائم یا موقت-، علاوه بر شرط مذکور در ماده 1034، که همانا عدم وجود موانع نکاح – شوهردار بودن زن و قرار داشتن وی در عده طلاق رجعی و وفات (ماده 1050) - است، خواستگاری از زن بعد از اعلام موافقت وی به دیگری و زنی که نامزد دارد، با محدودیت و حرمت شرعی مواجه است، اما عقد نکاح را باطل نمی­کند.

تحقق خواستگاری آثار شرعی و حقوقی به دنبال دارد که عبارت از جواز نگاه کردن مرد به زن و بالعکس است؛ همچنین خواستگاری فاقد آثار نکاح است؛ بنابراین از نظر شرع و قانون مدنی طرفین خواستگاری مانند دو بیگانه هستند که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند؛ به همین دلیل تمام محدودیت هایی که شرع برای روابط زن و مرد در نظر گرفته بین آنها برقرار است. برای جواز نگاه کردن مرد به زن به طور کلی چهار شرط وجود دارد: نخست آنکه، عرفا و عادتا امکان قبولی درخواست مرد از سوی زن وجود داشته باشد. دوم اینکه، زن خالی از موانع نکاح باشد، چرا که وقتی نمی­تواند با زنی ازدواج کند، به تبع آن هم نمی­تواند به او نگاه کند. شرط سوم این است که، مرد باید قصد ازدواج با آن زن را داشته باشد؛ و در آخر، قصد لذت بردن و کام جویی وجود نداشته باشد؛ چرا که حکم جواز نظر، بدین دلیل است که مرد تصمیمی محکم و استوار بگیرد که بعدا از آن رو نگرداند.

اصل بر این است که زن و مرد در روابط خود دارای حقوقی یکسان هستند (آیه ۲۲۸ سوره بقره)؛ مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن مطرح شود. به علاوه اگر برای مرد با توجه به حق طلاق وی پس از ازدواج، حق نگاه کردن در خواستگاری هست، به طریق اولی برای زنی که امکان طلاق گرفتن برای وی راحت نیست، این حق باید لحاظ گردد.

**7- منابع**

1. قرآن کریم
2. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضره، ج ۲۳، موسسه النشر الاسلامی
3. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۴، دار احیاء التراث العربی
4. حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۴، چاپ دوم ،دار احیاء التراث العربی
5. حلی، حسن بن یوسف، قواعد الحکام، ج۳، قم، موسسه النشر الاسلامی
6. حلي، حسن بن يوسف، تذكره الفقهاء، قم، منشورات الرضي، 1404 ق.
7. حلي، جعفر بن الحسن، شرايع الاسلام، نجف، مطبعه الآداب، چ اول، 1381ق.
8. خميني، سيدروح الله، تحريرالوسيله، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، چ اول، 1421ق.
9. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج7، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران
10. زيدان، عبدالكريم، «المفصل في احكام المرأه و بيت المسلم»، بيروت، مؤسسه الرساله، چاپ اول، 1417ق.
11. سبحانی، جعفر، نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغماء، ج 1، چاپ اول، موسسه امام صادق (علیه السلام)
12. شمس الدين، محمدمهدي، الستر و النظر، بيروت، مؤسسه الدوليه الاسلاميه، چاپ دوم، 1994م.
13. شوكاني، محمد، نيل الأوطار، بيروت، دارالكتب العلميه، بي‌تا.
14. صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، چاپ چهل و نهم، انتشارات میزان
15. طباطبايي، سيدعلي، رياض المسائل، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، چاپ اول، 1420 ق.
16. طوسي، محمدبن الحسن، الخلاف، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، بي‌تا.
17. طوسی، محمد بن حسن، النهایه، چاپ اول، دار الکتاب العربی
18. عاملي، زين الدين (شهید ثانی)، مسالك الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه، 1416ق.
19. عبدالرحمن العك، خالد، آداب الحياه الزوجيه، بيروت، دارالمعرفه، 1419ق.
20. عمید، حسن، فرهنگ فارسی جیبی عمید، ج ۱، چاپ چهارم، انتشارات ادنا
21. فاضل لنکرانی، محمد، تفضیل الشریعه النکاح، چاپ اول، مرکز فقه الائمه اطهار
22. كدي عمراني، محمد، فقه الاسرة في المهاجر، بيروت، دارالكتب العلميه، 1432 ق.
23. كركي، علي بن الحسين، جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل البيت، چ اول، 1411 ق.
24. کرمشاهی، محمد صالح، ماهیت و آثار نامزدی در حقوق ایران، پایان نامه، تیرماه ۱۳۹۵
25. گرجی، ابوالقاسم، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران
26. محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، چاپ ششم، تهران، مرکز نشر علوم انسانی
27. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج1، چاپ چهارم، انتشارات ادنا
28. مقدادی، محمد مهدی، خواستگاری در فقه و حقوق، شماره ۲۵، مجله کتاب زنان، زمستان 1388.
29. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج 29، چاپ اول، دار احیا التراث العربی
30. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۰، چاپ هفتم، چاپ بیروت، ۱۹۸۱
31. نجفي، محمدحسن، جواهر الكلام، بيروت، دار احياء التراث العربي، چاپ هفتم، بي‌تا.
32. نعمان، محمد (شيخ مفيد)، المقنعه، قم، مؤسسه نشر اسلامي، چاپ دوم، 1410 ق.